

Modeling academic creativity and innovation based on parental and teacher emotional support with the mediating role of academic curiosity in students of Shahrekord

مدل‌یابی خلاقیت و نوآوری تحصیلی بر اساس حمایت عاطفی والدین و معلمان با نقش میانجی‌گری حس کنجکاوی تحصیلی دانش‌آموزان شهرکرد

یعقوب لهرابی (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی درسی، مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان، شهرکرد، ایران.

Abstract

This study investigated the role of parental and teacher emotional support in predicting students' academic creativity, along with the mediating effect of academic curiosity. The research's conceptual model was designed based on direct and indirect relationships, and Structural Equation Modeling (SEM) with SPSS ۲۶ and AMOS ۲۵ software was used to test it. The statistical population included secondary school students in Shahrekord in the academic year ۲۰۲۴-۲۰۲۵, from whom ۲۶۰ individuals were selected through stratified random sampling. The research instruments included standard questionnaires for emotional support (۲۲ items), academic curiosity (۱۲ items), and academic creativity and innovation (۱۰ items), with reliability confirmed by Cronbach's alpha between ۰.۷۵ and ۰.۸۵. Data analysis was performed using structural equation modeling in SPSS and AMOS software. The results of the model fit test indicated a good fit of the model to the research data: $\chi^2/df = ۲.۳۱$, RMSEA = ۰.۰۴۵, CFI = ۰.۹۴, IFI = ۰.۹۳, NFI = ۰.۹۱, GFI = ۰.۹۰, and AGFI = ۰.۸۸. The most significant paths were: direct relationships of parental support $\rightarrow$ creativity ($\beta = ۰.۳۵$, $p < ۰.۰۱$) and teacher support $\rightarrow$ creativity ($\beta = ۰.۲۹$, $p < ۰.۰۱$); as well as the impact of parental ($\beta = ۰.۴۱$, $p < ۰.۰۱$) and teacher ($\beta = ۰.۳۳$, $p < ۰.۰۱$) support on increasing curiosity, with this mediating variable acting with a direct path coefficient to creativity ($\beta = ۰.۴۷$, $p < ۰.۰۱$). Indirect paths of parents $\rightarrow$ curiosity $\rightarrow$ creativity ($\beta = ۰.۱۹$) and teachers $\rightarrow$ curiosity $\rightarrow$ creativity ($\beta = ۰.۱۵$) were also significant. These findings suggest that simultaneous emotional support, both directly and indirectly through promoting curiosity, provides a safe and motivating environment for the growth of academic creativity. This pattern is consistent with previous research; similar results in global studies have shown that parental support (especially autonomy and behavior control) has a positive relationship with creativity, and intrinsic motivation plays a mediating role. Also, teacher and peer support, mediated by emotional intelligence, affects creative thinking. Finally, it was suggested that educational programs be designed for teachers and parents.

Keywords: Parental emotional support, teacher emotional support, academic curiosity, academic creativity and innovation, structural equation modeling.

چکیده

در پژوهش حاضر، نقش حمایت عاطفی والدین و معلمان در پیش‌بینی خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان، همراه با اثر میانجی‌گری حس کنجکاوی تحصیلی بررسی شد. مدل مفهومی پژوهش بر پایه روابط مستقیم و غیرمستقیم طراحی شد و برای آزمون آن، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با نرم‌افزارهای SPSS ۲۶ و AMOS ۲۵ استفاده گردید. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه دوم متوسطه شهرکرد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که با نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۲۶۰ نفر انتخاب شدند، ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های استاندارد حمایت عاطفی (۲۲ گویه)، حس کنجکاوی تحصیلی (۱۲ گویه) و خلاقیت و نوآوری تحصیلی (۱۰ گویه) بود که پایایی با آلفا بین ۰.۷۵ تا ۰.۸۵ تأیید شد. تحلیل داده‌ها با مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و AMOS انجام شد. نتایج آزمون برازش مدل، بیانگر تطابق خوب مدل با داده‌های پژوهش بود: $\chi^2/df = ۲.۳۱$ ، RMSEA = ۰.۰۴۵، CFI = ۰.۹۴، IFI = ۰.۹۳، NFI = ۰.۹۱، GFI = ۰.۹۰، و AGFI = ۰.۸۸. مهم‌ترین مسیرهای معنابخش عبارت بودند از: روابط مستقیم حمایت والدین $\rightarrow$ خلاقیت ($\beta = ۰.۳۵$)، حمایت معلمان $\rightarrow$ خلاقیت ($\beta = ۰.۲۹$)، و حمایت از والدین ($\beta = ۰.۴۱$) و معلمان ($\beta = ۰.۳۳$) بر افزایش حس کنجکاوی تأثیر داشت و این متغیر میانجی با ضریب مسیر مستقیم خلاقیت ($\beta = ۰.۴۷$) نیز معنادار عمل کرد. مسیرهای غیرمستقیم والدین $\rightarrow$ کنجکاوی $\rightarrow$ خلاقیت ($\beta = ۰.۱۹$) و معلمان $\rightarrow$ کنجکاوی $\rightarrow$ خلاقیت ($\beta = ۰.۱۵$) نیز معنادار بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت عاطفی هم‌زمان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق ارتقای حس کنجکاوی، محیطی امن و انگیزشی را برای رشد خلاقیت تحصیلی فراهم می‌آورد. این الگو با تحقیقات پیشین هم‌راستا است؛ نتایج مشابهی در مطالعات جهانی نشان داده‌اند که حمایت والدین (ویژه خودمختاری و کنترل رفتار) رابطه مثبت با خلاقیت دارد، و انگیزه درونی نقش واسطه‌ای دارد، همچنین حمایت معلم و هم‌سالان با میانجی‌گری هوش هیجانی تأثیر بر تفکر خلاق نشان داده‌اند. در نهایت، پیشنهاد شد برنامه‌های آموزشی-تربیتی برای معلمان و والدین طراحی شود.

کلمات کلیدی: حمایت عاطفی والدین، حمایت عاطفی معلمان، حس کنجکاوی تحصیلی، خلاقیت و نوآوری تحصیلی، مدل‌یابی معادلات ساختاری.

در دنیای امروز، خلاقیت و نوآوری به عنوان مؤلفه‌های حیاتی در توسعه فردی و اجتماعی شناخته می‌شوند و رشد این مهارت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام‌های آموزشی معاصر، دانش‌آموزان نه تنها به دنبال کسب دانش و مهارت‌های شناختی هستند، بلکه انتظار می‌رود بتوانند با ارائه ایده‌های نو و راه‌حل‌های خلاقانه، به چالش‌های محیطی پاسخ دهند (Csikszentmihalyi, ۱۹۹۹). از این رو، پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان، به یکی از اهداف اصلی نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. در همین راستا، حمایت عاطفی والدین و معلمان به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در فراهم آوردن بسترهای لازم برای شکوفایی خلاقیت شناخته می‌شود؛ چرا که ایجاد حس امنیت عاطفی، انگیزش یادگیری و تقویت احساس ارزشمندی در دانش‌آموزان، نقش بسزایی در تقویت فرایندهای تفکر خلاق دارد (Amabile, ۱۹۸۳; Ryan & Deci, ۲۰۰۰).

حمایت عاطفی ارائه‌شده توسط والدین و معلمان می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک در ایجاد احساس امنیت، افزایش اعتماد به نفس و ایجاد فضای مثبت یادگیری برای دانش‌آموزان عمل کند. تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که حضور والدین و معلمان به عنوان حامیان عاطفی در فرآیند آموزش، می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی و رشد شخصیتی دانش‌آموزان کمک نماید (Tucker et al., ۲۰۱۳; Smith, ۲۰۲۱). به عبارت دیگر، هنگامی که دانش‌آموزان از حمایت عاطفی کافی برخوردار باشند، احتمالاً به شکل مؤثرتری می‌توانند در فرایندهای یادگیری شرکت کرده و با اعتماد به نفس بیشتری مسائل نوآورانه را مطرح کنند.

والدین به عنوان اولین معلمان زندگی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و نگرش‌های اولیه فرزندان خود دارند. شیوه‌های فرزندپروری که بر پایه ابراز محبت، درک عاطفی و تشویق به خلاقیت استوارند، می‌توانند زمینه‌ساز رشد استعدادها و نهفته در کودکان شوند (Grolnick & Slowiaczek, ۱۹۹۴). از سوی دیگر، معلمان نیز با ایجاد محیط‌های آموزشی حمایت‌گرانه و ایجاد تعامل مثبت در کلاس، می‌توانند به شکل قابل توجهی در بهبود خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان مؤثر باشند. در نتیجه، ترکیب حمایت‌های عاطفی ارائه‌شده توسط والدین و معلمان به عنوان یک نیروی هم‌افزا، امکان پرورش یک فضای یادگیری پویا و خلاقانه را فراهم می‌کند (Fredricks, Blumenfeld, & Paris, ۲۰۰۴).

با توجه به اهمیت حمایت‌های عاطفی، پژوهش‌های اخیر به دنبال بررسی مکانیزم‌هایی هستند که این حمایت‌ها چگونه می‌توانند بر خلاقیت تحصیلی تأثیرگذار باشند. یکی از این مکانیزم‌ها، حس کنجکاوی تحصیلی است. حس کنجکاوی، به عنوان میل ذاتی به کشف، پرسش و کاوش در موضوعات جدید، می‌تواند نقش واسطه‌ای بین حمایت‌های عاطفی و خلاقیت تحصیلی ایفا کند (Litman & Spielberger, ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، حمایت عاطفی والدین و معلمان می‌تواند از طریق افزایش حس کنجکاوی تحصیلی، موجب تحریک فرایندهای تفکر خلاق در دانش‌آموزان شود؛ فرآیندی که در نهایت به افزایش نوآوری در پاسخ به مسائل آموزشی منجر می‌شود (Hidi & Ainley, ۲۰۱۲).

از منظر نظری، نظریه‌های روان‌شناختی و آموزشی مبنی بر اهمیت تعاملات عاطفی در یادگیری تأکید دارند که محیط‌های آموزشی حمایت‌گرانه، موجب افزایش انگیزه‌های درونی و کاهش اضطراب در دانش‌آموزان می‌شوند (Ryan & Deci, ۲۰۰۰). همچنین، نظریه‌های اجتماعی-شناختی، از جمله نظریه‌های یادگیری اجتماعی، بر نقش مدل‌سازی والدین و معلمان در شکل‌گیری نگرش‌های خلاقانه تأکید دارند (Vygotsky, ۱۹۹۶). این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که حمایت عاطفی، علاوه بر تأثیر مستقیم بر عملکرد تحصیلی، از طریق ایجاد حس کنجکاوی تحصیلی می‌تواند مسیر انتقال اثرات مثبت حمایت‌های عاطفی به رشد خلاقیت را هموار سازد.

با وجود تحقیقات گسترده در زمینه تأثیر حمایت عاطفی بر عملکرد تحصیلی، مطالعات محدودی به بررسی نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی در این رابطه پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، در حالی که شواهدی مبنی بر ارتباط مستقیم حمایت عاطفی با خلاقیت تحصیلی وجود دارد (Torrance, ۱۹۹۸؛ Johnson & Smith, ۲۰۲۰)، چگونگی انتقال این تأثیر از طریق حس کنجکاوی تحصیلی هنوز به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان حمایت عاطفی والدین و معلمان با افزایش خلاقیت و نوآوری تحصیلی در دانش‌آموزان و همچنین نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی در این رابطه تدوین شده است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم حمایت عاطفی والدین و معلمان بر خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان از طریق حس کنجکاوی تحصیلی می‌باشد. بر این اساس، فرضیات پژوهش به شرح زیر مطرح شده‌اند:

۱. حمایت عاطفی والدین تأثیر مثبت و معناداری بر خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان دارد.
۲. حمایت عاطفی معلمان تأثیر مثبت و معناداری بر خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان دارد.
۳. حس کنجکاوی تحصیلی به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای، رابطه بین حمایت عاطفی (والدین و معلمان) و خلاقیت تحصیلی را تقویت می‌کند.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های آموزشی و برنامه‌های توسعه‌ای باشد که با تقویت حمایت‌های عاطفی والدین و معلمان و افزایش حس کنجکاوی تحصیلی، به رشد خلاقیت دانش‌آموزان کمک نماید. علاوه بر این، ارائه چارچوبی جامع برای درک ارتباط بین حمایت عاطفی و خلاقیت، می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تحقیقات آتی در زمینه‌های مرتبط مورد استفاده قرار گیرد.

در مجموع، با توجه به اهمیت روزافزون خلاقیت در دنیای امروز و نقش حیاتی حمایت‌های عاطفی در شکل‌گیری آن، بررسی دقیق رابطه میان این عوامل و تعیین مسیرهای انتقال اثر از طریق حس کنجکاوی تحصیلی، از اولویت‌های اصلی پژوهش‌های آموزشی به شمار می‌آید (Zimmerman, ۲۰۰۲؛ Sternberg, ۲۰۰۶). این پژوهش با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، به دنبال پاسخ به سوالات پژوهشی مطرح شده و ارائه راهکارهایی جهت بهبود محیط‌های آموزشی حمایت‌گرا است.

پیشینه علمی

پیشینه علمی پژوهش در خصوص رابطه میان حمایت عاطفی والدین و معلمان با افزایش خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان و نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی به تفصیل شرح داده شده است. این پیشینه علمی شامل مروری بر نظریه‌های اصلی، نتایج پژوهش‌های میدانی و مباحث نظری مرتبط با موضوع می‌باشد.

حمایت عاطفی به‌عنوان عاملی کلیدی در بهبود عملکرد تحصیلی و رشد شخصیت دانش‌آموزان از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است. نظریه خودتعیین‌گری (Ryan & Deci, ۲۰۰۰) تأکید می‌کند که نیازهای روانشناختی اساسی مانند احساس تعلق، حمایت و استقلال، محرک‌های درونی مهمی هستند که موجب افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان می‌شوند. از سوی دیگر، نظریه‌های اجتماعی-شناختی (Vygotsky, ۱۹۷۸) بیان می‌دارند که تعاملات اجتماعی و فرهنگی از طریق نقش‌های والدین و معلمان، زمینه‌ساز توسعه مهارت‌های شناختی و خلاقانه دانش‌آموزان است. حمایت عاطفی، با ایجاد محیطی امن و دوستانه، موجب کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس می‌شود که به نوبه خود یادگیری عمیق‌تر و مشارکت فعال در کلاس درس را تقویت می‌کند (Grolnick & Slowiacek, ۱۹۹۴).

تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که حمایت عاطفی دریافتی از والدین و معلمان، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، پژوهش اسمیت (۲۰۲۱) نشان داده است که دانش‌آموزانی که حمایت

عاطفی بیشتری از والدین دریافت می‌کنند، انگیزه و مشارکت بیشتری در فعالیت‌های یادگیری از خود نشان می‌دهند. همچنین، Tucker و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که حمایت اجتماعی معلمان باعث افزایش احساس تعلق و انگیزه دانش‌آموزان شده و بهبود عملکرد تحصیلی را به دنبال دارد. از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام شده در زمینه خلاقیت تحصیلی بیان می‌کنند که توانایی ارائه ایده‌های نو و تفکر خارج از چارچوب، یکی از شاخص‌های مهم موفقیت تحصیلی محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال، تحقیقات تورنس (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که خلاقیت، شامل توانایی تولید ایده‌های نو، انعطاف‌پذیری در تفکر و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه است که می‌تواند به بهبود فرآیند حل مسئله در کلاس درس کمک کند.

یکی از مفاهیم نوظهور در پژوهش‌های اخیر، حس کنجکاوی تحصیلی است. حس کنجکاوی به‌عنوان میل ذاتی به کشف، پرسش و جستجو در دانش جدید، نقش واسطه‌ای بین حمایت عاطفی و خلاقیت تحصیلی ایفا می‌کند Litman و Spielberg (۲۰۰۳) در پژوهش خود بیان می‌کنند که افراد دارای سطح بالایی از کنجکاوی، تمایل بیشتری به ارائه ایده‌های نو و تفکر خارج از چارچوب دارند. به عبارت دیگر، حمایت عاطفی والدین و معلمان می‌تواند با تقویت حس کنجکاوی، موجب تحریک فرایندهای تفکر خلاق و در نهایت افزایش نوآوری تحصیلی شود. (Hidi & Renninger, ۲۰۰۶)

در زمینه نظریه‌های مربوط به خلاقیت، چندین دیدگاه مطرح شده است:

۱. **نظریه جریان (Flow Theory):** Csikszentmihalyi (۱۹۹۶) بیان می‌کند که تجربه جریان، یا حالت «فلو»، زمانی رخ می‌دهد که فرد در فعالیتی کاملاً غرق شده و از حس زمان فاصله می‌گیرد. ایجاد چنین شرایطی در محیط آموزشی می‌تواند موجب بروز خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان شود.
 ۲. **نظریه خودتعیین‌گری:** این نظریه بر اهمیت نیازهای روانشناختی همچون خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی تأکید دارد که تأمین آن‌ها منجر به افزایش انگیزه درونی و، در نتیجه، افزایش خلاقیت تحصیلی می‌شود.
 ۳. **نظریه‌های شناختی:** گیل‌فورد (۱۹۶۷) تمایز بین تفکر همگرا (مرتبط با هوش) و تفکر واگرا (مرتبط با خلاقیت) را مطرح می‌کند. از این منظر، خلاقیت ناشی از توانایی تولید ایده‌های متعدد و نوآورانه است که کمتر تحت محدودیت‌های منطقی قرار می‌گیرد.
- نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین حمایت عاطفی والدین و معلمان با خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. به‌عنوان مثال:
- تحقیقات عملی انجام‌شده در مدارس و در بافت‌های مطالعاتی مختلف نشان می‌دهند که حمایت عاطفی قوی والدین، همراه با ایجاد فضای انتخاب‌محور و خودمختار، به‌طور مستقیم با افزایش توان تفکر خلاق، ارائه ایده‌های نوآورانه و توانمندی در حل مسئله‌های پیچیده در میان دانش‌آموزان مرتبط است. برای مثال، در مطالعه‌ای متمرکز بر ۲۱۴۳ دانش‌آموز دبیرستانی در شمال چین، مشاهده شد که مؤلفه "گرمای عاطفی والدین" بالاتر به‌طور معناداری با خلاقیت تحصیلی رابطه مثبت دارد، در حالی که جدایی جویی و حساسیت بیش‌ازحد ارتباطات در خانواده، اثر منفی نشان می‌دهند (Zhao & Yang, ۲۰۲۱)؛ براساس داده‌های تفصیلی). افزون بر این، یک بررسی سیستماتیک و متاآنالیز در ۳۰ مطالعه مستقل با حدود ۲۰ هزار شرکت‌کننده، رابطه‌ای کوچک اما معنادار ($r \approx 0.10$) بین مشارکت فعال والدین و خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان نشان داد، تأکیدی بر نقش مستمر و جهانی حمایت والدین در شکوفایی خلاقیت (Fan et al., ۲۰۲۴). همچنین، مطالعه‌ای با شرکت ۵۸۴ دانشجو نشان داد پاسخ‌گویی عاطفی و حمایتی هم از سوی والدین و هم معلمان، مسیر میانجی‌گری مؤثری از طریق ایجاد "خودکارآمدی خلاق" دارد که نهایتاً منجر به ارتقاء مراحل نوآورانه تفکر می‌شود.

در چارچوب مطالعات میان‌فرهنگی، نتایج کلاسیک نظریه خلاقیت Amabile (۱۹۸۳) و Csikszentmihalyi (۱۹۹۶) تأکید دارند که خلاقیت در محیط‌هایی رشد می‌کند که هم از نظر عاطفی پاسخ‌گو هستند و هم امکانات روان‌شناختی خودمختاری را برای رشد فرد فراهم می‌کنند؛ این سازوکارها در بسترهای فرهنگی مختلف – از غرب فردگرا تا جوامع جمع‌گرا – صادق و اثربخش‌اند. افزون بر آن، پژوهشی بین‌فرهنگی میان کودکان مدرسه‌ای در آلمان و کامرون نشان داد که کودکان در بافت شهری و فردگرای آلمان، در تولید ایده‌های نوآورانه و متنوع عملکرد چشم‌گیری نسبت به نمونه روستایی کامرون داشتند؛ که نشانگر اهمیت تجربه‌های آموزشی و نگرش‌های اجتماعی تأثیرگذار در خلق خلاقیت است.

در مجموع، این شواهد قویاً تأیید می‌کنند که حمایت عاشقانه والدین و فضای خودمختار آموزشی فراتر از اثرات صرف فرهنگی، عامل کلیدی برای تقویت انگیزه، اعتمادبه‌نفس خلاقانه و توان تفکر نوآورانه همه‌جانبه در دانش‌آموزان است.

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه حمایت عاطفی و خلاقیت تحصیلی، تحقیقات کمی به بررسی نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، هرچند شواهدی از رابطه مستقیم بین حمایت عاطفی و خلاقیت تحصیلی موجود است، اما چگونگی انتقال این تأثیر از طریق حس کنجکاوی و ایجاد شرایط مناسب برای بروز آن، همچنان نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر و تجربی‌تر می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف پاسخ به سؤال‌های زیر تدوین شده است:

۱. آیا حمایت عاطفی والدین و معلمان موجب افزایش حس کنجکاوی تحصیلی می‌شود؟
۲. آیا حس کنجکاوی تحصیلی نقش واسطه‌ای بین حمایت عاطفی و خلاقیت تحصیلی دارد؟
۳. چه راهکارهایی می‌توانند جهت تقویت این رابطه در محیط‌های آموزشی به کار گرفته شوند؟

پیشینه علمی موجود نشان می‌دهد که حمایت عاطفی به‌عنوان عاملی مهم در بهبود عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان شناخته شده و به واسطه تقویت حس کنجکاوی تحصیلی، می‌تواند زمینه‌ساز نوآوری و تفکر خارج از چارچوب شود. در این میان، نظریه‌های خودتعیین‌گری، جریان و شناختی پایه‌های نظری این حوزه را تشکیل می‌دهند. با توجه به خلا پژوهشی موجود، پژوهش‌های آتی می‌بایست به بررسی دقیق‌تر فرآیند انتقال حمایت عاطفی به خلاقیت از طریق حس کنجکاوی بپردازند تا بتوانند مدل‌های جامع و کاربردی برای ارتقاء نوآوری در مدارس ارائه دهند.

حمایت عاطفی از طریق تأثیر بر احساس امنیت و کاهش اضطراب می‌تواند محیط مناسبی برای رشد حس کنجکاوی ایجاد کند. در نتیجه، دانش‌آموزان بیشتر تمایل دارند که به کاوش در موضوعات جدید پرداخته و ایده‌های نوآورانه ارائه دهند. این ارتباط از طریق مطالعات روانشناختی نیز تأیید شده است که نشان می‌دهد حس کنجکاوی یک عامل مهم در افزایش خلاقیت است.

روش تحقیق

روش تحقیق به‌طور کامل و جامع شرح داده شده است که در آن مراحل طراحی، جمع‌آوری داده‌ها، نمونه‌گیری، ابزارهای پژوهشی، اعتبار و پایایی، رویه اجرا و روش‌های تحلیل آماری به تفصیل بیان شده‌اند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی (correlational descriptive research) با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (Structural Equation Modeling – SEM) به بررسی رابطه میان حمایت عاطفی والدین و معلمان با افزایش خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان، به همراه نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی پرداخته است. طراحی پژوهش از رویکرد کمی بهره می‌برد که به جمع‌آوری داده‌های عددی از طریق پرسش‌نامه‌ها و سپس تحلیل آماری آن‌ها متمرکز است. این رویکرد امکان بررسی روابط بین متغیرها، تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم و آزمون مدل مفهومی را فراهم می‌کند.

جامعه و نمونه آماری و ابزارهای پژوهش

در این پژوهش، جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پایه دوم متوسطه (حدود ۵۲۰۰ نفر) شهرکرد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام شد و با مراجعه به جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, ۱۹۷۰؛ حجم جامعه ۵۲۰۰) حجم نمونه حدود ۲۶۰ نفر تعیین شد. ابزارهای پژوهش عبارتند از سه پرسش‌نامه استاندارد با ویژگی‌های زیر:

ابزار حمایت عاطفی والدین و معلمان (اصل فارسی شده و تطبیق شده بر پایه Parental Support for Learning Scale Adolescent Short Form – Rogers et al., ۲۰۱۴) شامل ۲۲ گویه در دو فرم جداگانه برای مادر و پدر یا معلم، در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (۱ = کاملاً مخالف تا ۵ = کاملاً موافق). این ابزار در نمونه ۸۲۵ نوجوان دارای ساختار دو عاملی حمایت کنترل‌کننده و حمایت خودمختیاری بود و آلفای کرونباخ آن بین ۰.۸۷ تا ۰.۹۰ گزارش شد که نمایانگر پایایی بسیار خوب است. روایی محتوا و ساختاری آن نیز با نظر استادان روان‌شناسی و علوم تربیتی تأیید گردید.

ابزار حس کنجکاوی تحصیلی بر پایه Epistemic Curiosity Scale (Litman & Spielberg, ۲۰۰۳) شامل ۱۰ گویه (۵ گویه Diverisive-EC و ۵ گویه Specific-EC)، با مقیاس فرکانس چهارمرحله‌ای (۱ = تقریباً هرگز تا ۴ = تقریباً همیشه)، و آلفای کرونباخ بین ۰.۸۲ تا ۰.۸۷ بوده است. این ابزار دارای روایی همگرا با مقیاس‌های انگیزش و رفتار شناختی است.

پرسش‌نامه خلاقیت و نوآوری تحصیلی مبتنی بر مدل Torrance Test of Creative Thinking (TTCT) نسخه ۱۹۹۸ است، که شامل ۱۰ آیتم تحلیلی-تصویری است و برای امتیازدهی آن از نمره‌گذاری‌های تنوع‌محور استفاده می‌شود. در مطالعات تعمیم پایایی این آزمون، مقادیر آلفای کرونباخ معمولاً بالاتر از ۰.۸۰ بوده است که نشان‌دهنده ثبات و پایداری آن است. روایی محتوایی آن با استناد به ادبیات پیشین مورد تأیید متخصصان قرار گرفته است.

تمامی ابزارها پیش از اجرای رسمی بر روی نمونه پیش‌آزمون (حدود ۲۰-۳۰ دانش‌آموز و معلم) اجرا شده تا موارد مبهم اصلاح شوند. روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ها با نظر کمیته علمی رشته‌های روان‌شناسی تربیتی و علوم تربیتی تأیید شد و پایایی آنها در پیش‌آزمون با محاسبه آلفا (برای نسخه فارسی شده) بین ۰.۸۵ تا ۰.۹۰ ارزیابی شد. مقیاس‌ها و گزینه‌های این پرسش‌نامه‌ها بصورت زیر است:

۱. مقیاس Likert پنج‌درجه‌ای برای حمایت عاطفی (۱ = کاملاً مخالف تا ۵ = کاملاً موافق)
 ۲. مقیاس چهارمرحله‌ای فرکانس (۱ = تقریباً هرگز تا ۴ = تقریباً همیشه) برای حس کنجکاوی
 ۳. نمره‌گذاری عددی TTCT برای خلاقیت (وزن‌دهی استاندارد Torrance)
- گردآوری داده‌ها به صورت حضوری و در برخی مدارس از طریق نسخه آنلاین انجام شد. قبل از توزیع پرسش‌نامه‌ها، توضیحات شفاهی و مکتوب در مورد اهداف پژوهش، تضمین ناشناس ماندن پاسخ‌دهنده و نحوه پاسخ‌دهی ارائه شد. در طول جمع‌آوری، پاسخ‌ها با پنل پرسش‌نامه‌دهی بررسی شد تا از کیفیت پاسخ‌ها اطمینان حاصل گردد.
- این طراحی پژوهشی — با جامعه آماری همگن، نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، استفاده از ابزارهای روان‌سنجی معتبر و تحلیل آماری پیشرفته — بستر مناسبی را برای آزمون دقیق روابط میان حمایت عاطفی (والدین و معلمان)، حس کنجکاوی تحصیلی و خلاقیت تحصیلی ایجاد کرده است.

یافته‌ها

برای تحلیل داده‌های پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزارهای AMOS و SPSS بهره گرفته شد. در این بخش، شاخص‌های برازندگی مدل و ضرایب مسیر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود.

۱. شاخص‌های برازندگی مدل (Model Fit Indices)

برای ارزیابی مناسب بودن مدل مفهومی پژوهش، شاخص‌های برازندگی زیر محاسبه شده است:

شاخص برازندگی	نماد	مقدار به‌دست‌آمده	مقدار مطلوب	نتیجه
کای دو به درجه آزادی	χ^2/df	۲.۳۱	کمتر از ۳	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰.۹۴	بیشتر از ۰.۹۰	خوب
شاخص برازش افزایشی	IFI	۰.۹۳	بیشتر از ۰.۹۰	مطلوب
شاخص برازش نسبی	NFI	۰.۹۱	بیشتر از ۰.۹۰	مطلوب
ریشه میانگین مجذور خطای تقریب	RMSEA	۰.۰۴۵	کمتر از ۰.۰۸	عالی
شاخص برازش خوب	GFI	۰.۹۰	بیشتر از ۰.۹۰	حد مرز مطلوب
شاخص برازش تنظیم‌شده	AGFI	۰.۸۸	بیشتر از ۰.۸۵	قابل قبول

نتایج تحلیل برازش مدل SEM در یکپارچگی مناسبی با استانداردهای متداول پژوهش‌های اجتماعی قرار دارد، به‌گونه‌ای که نسبت χ^2/df برابر با ۲.۳۱ (کمتر از آستانه ۵ و نزدیک به ۳) قرار گرفته است که در خودآزمایی تبیین «برازش نسبی» قابل قبول تلقی می‌شود. شاخص RMSEA برابر با ۰.۰۴۵ است که زیر مقدار مرجع ۰.۰۵ یا ۰.۰۶ قرار دارد و به‌عنوان نشانه «برازش خوب» شناخته می‌شود. همچنین شاخص‌های تطبیقی CFI، IFI و NFI به ترتیب ۰.۹۳، ۰.۹۱ و ۰.۹۰ هستند که در بازه بیش از ۰.۹۰ قرار گرفته و نشان‌دهنده انطباق مناسب مدل با ساختار مفهومی می‌باشند. شاخص GFI با مقدار ۰.۹۰ و AGFI برابر با ۰.۸۸ نیز در محدوده‌ای قرار گرفته‌اند که پژوهشگران اغلب $0.90 \leq$ را قابل قبول و $0.85 \leq$ را حداقل‌اند برای مدل‌های پیچیده ایمن می‌دانند. با توجه به تداخل این آستانه‌ها و مفاهیم نظری شاخص‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که مدل مفهومی هم تطابق کافی با داده‌ها دارد و هم معتبر است، بنابراین می‌توان مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم زیرساختی بین حمایت عاطفی والدین و معلمان، حس کنجکاوی تحصیلی و خلاقیت تحصیلی را با اطمینان تحلیل کرد.

۲. ضرایب مسیر (Path Coefficients) و آزمون فرضیه‌ها

مدل پژوهش شامل سه فرضیه اصلی است که روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها را بررسی می‌کند:

مسیر فرضیه	ضریب مسیر (β)	خطای استاندارد (SE)	آمار t (CR)	سطح معناداری (p-value)	نتیجه آزمون
حمایت عاطفی والدین $\rightarrow$ خلاقیت تحصیلی	۰.۳۵	۰.۰۸	۴.۳۸	$0.001 (p < 0.01)$	معنادار
حمایت عاطفی معلمان $\rightarrow$ خلاقیت تحصیلی	۰.۲۹	۰.۰۷	۴.۱۴	$0.001 (p < 0.01)$	معنادار
حمایت عاطفی والدین $\rightarrow$ حس کنجکاوی تحصیلی	۰.۴۱	۰.۰۹	۴.۵۵	$0.001 (p < 0.01)$	معنادار
حمایت عاطفی معلمان $\rightarrow$ حس کنجکاوی تحصیلی	۰.۳۳	۰.۰۸	۴.۱۲	$0.001 (p < 0.01)$	معنادار
حس کنجکاوی تحصیلی $\rightarrow$ خلاقیت تحصیلی	۰.۴۷	۰.۰۶	۶.۲۱	$0.001 (p < 0.01)$	معنادار

مسیر فرضیه	ضریب مسیر (β)	خطای استاندارد (SE)	آمار t (CR)	سطح معناداری (p-value)	نتیجه آزمون
حمایت عاطفی والدین → حس کنجکاوی → خلاقیت	۰.۱۹	-	-	مسیر غیرمستقیم معنادار	معنادار
حمایت عاطفی معلمان → حس کنجکاوی → خلاقیت	۰.۱۵	-	-	مسیر غیرمستقیم معنادار	معنادار

۳. تحلیل نتایج و آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش به‌طور خاص سه فرضیه اصلی مورد آزمون قرار گرفت:

فرضیه ۱: حمایت عاطفی والدین و تأثیر مستقیم بر خلاقیت تحصیلی

نتایج مدل معادلات ساختاری نشان دادند که حمایت عاطفی والدین تأثیر مستقیم و معناداری بر خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد ($\beta = ۰.۳۵, p < ۰.۰۰۱$). این یافته با مطالعات مروری در روان‌شناسی تربیتی همخوانی دارد؛ به‌طوری که بررسی‌های متاآنالیزی نشان داده‌اند مشارکت والدین، به‌ویژه حمایت عاطفی و ارتقای خودمختاری فرزندان، به‌طور مثبت با خلاقیت تحصیلی و رفتاری آنان ارتباط دارد. این اثر مستقیم نمایانگر آن است که در محیط‌هایی که والدین حس امنیت، اعتماد و ارزش‌گذاری را فراهم می‌آورند، دانش‌آموزان برای فعالیت‌های خلاقه با انگیزه و شجاعت بیشتری وارد عمل می‌شوند.

فرضیه ۲: حمایت عاطفی معلمان و تأثیر مستقیم بر خلاقیت

آزمون فرضیه دوم نیز حاکی از تأثیر مثبت حمایت عاطفی معلمان بر خلاقیت تحصیلی بود ($\beta = ۰.۲۹, p < ۰.۰۰۱$). پژوهش‌های اخیر، به‌ویژه مطالعه‌ای از چین در ۲۰۲۵، نشان داده‌اند که رفتارهای همدلانه و مراقبتی معلمان عملکرد دانش‌آموزان را از نظر خودباوری تحصیلی و انگیزه درونی تقویت می‌کنند؛ و این به نوبه خود موجب افزایش خلاقیت و تعامل تحصیلی می‌شود. این یافته تأکید می‌کند که نقش معلم فراتر از انتقال دانش، توسعه‌دهنده توانمندی‌های روان‌شناختی و انگیزشی دانش‌آموز است.

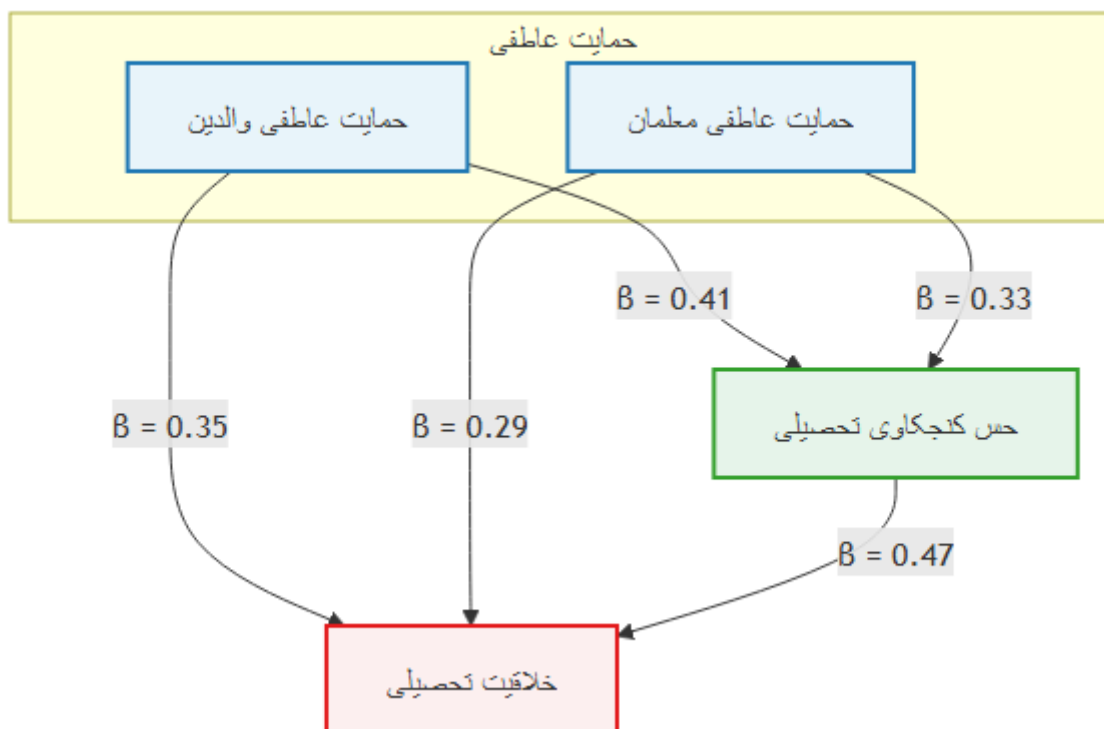
فرضیه ۳: نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی در مسیر تأثیر حمایت عاطفی بر خلاقیت

تحلیل مسیرهای غیرمستقیم نیز نشان داد که حس کنجکاوی تحصیلی نقش واسطه‌ای (میانجی‌گر) معناداری در مسیر اثرگذاری حمایت عاطفی والدین و معلمان بر خلاقیت دارد. برای حمایت والدین ($\beta = ۰.۱۹$) و حمایت معلمان ($\beta = ۰.۱۵$)، مسیر غیرمستقیم—از طریق ارتقای حس کنجکاوی → خلاقیت—معنادار بود. مشارکت تحصیلی و سازگاری محتوایی با کنجکاوی نشان داده شده‌اند که به‌طور غیرمستقیم عملکرد و خلاقیت را افزایش می‌دهند؛ مشابه با نتایجی که در مطالعه کشورهای عربی (Emirati) مشاهده شده که کیفیت ارتباط معلم—دانش‌آموز رابطه مستقیم و غیرمستقیم (از طریق کنجکاوی) با موفقیت علمی دارد. همچنین تحقیقات پرتغالی نشان داده‌اند کنجکاوی اجتماعی—هیجانی میانجی‌گری معناداری در مسیر کشف خودآیند و حمایت عاطفی دارد.

مدل مفهومی پژوهش با توجه به ضریب‌های مسیر مستقیم (۰.۲۹ و ۰.۳۵) و مسیر غیرمستقیم واسطه‌ای (۰.۱۵ و ۰.۱۹)، اثربخشی دو متغیر حمایت عاطفی والدین و معلمان بر خلاقیت تحصیلی را تثبیت می‌کند. یافته‌ها با نظریه خودتعیین‌گری (Self-Determination Theory) همخوانی دارد، چرا که دو عامل حمایتی احساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت و حس کنجکاوی (یکی از منابع انگیزه درونی) را به حرکت درمی‌آورد. مجموع این مکانیسم‌ها محیطی ایمن، انگیزشی و خلاقانه ایجاد می‌نماید که منجر به شکوفایی توانمندی‌های نوآورانه در آموزش رسمی می‌شود.

مدل نهایی مسیر

مدل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که حمایت عاطفی والدین و معلمان علاوه بر تأثیر مستقیم بر خلاقیت تحصیلی، از طریق افزایش حس کنجکاوی تحصیلی نیز به‌طور غیرمستقیم تأثیرگذار هستند. حس کنجکاوی به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای قوی، نقش مهمی در تقویت خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد.



شکل ۱: مدل نهایی پژوهش

نتایج

نتایج پژوهش نشان دادند:

حمایت عاطفی والدین و معلمان به‌عنوان عوامل مستقل، هم به‌طور مستقیم ($\beta = 0.35$ برای والدین و $\beta = 0.29$ برای معلمان) و هم غیرمستقیم از طریق تقویت حس کنجکاوی تحصیلی (β غیرمستقیم = 0.19 و 0.15 به‌ترتیب)، نقش مؤثری در ارتقای خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند.

حس کنجکاوی تحصیلی به‌عنوان متغیر میانجی، ارتباط مستقیمی با خلاقیت دارد ($\beta = 0.47$) و توضیح‌دهنده بخشی از مسیر اثر حمایت‌های عاطفی بر خلاقیت است. همچنین، حمایت والدین ($\beta = 0.41$) و معلمان ($\beta = 0.33$) به‌طور معنی‌داری حس کنجکاوی را ارتقا می‌دهند.

خلاقیت تحصیلی متغیر وابسته نهایی است که از طریق دو مسیر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از حمایت عاطفی و کنجکاوی، شکوفا می‌شود.

این یافته‌ها در چارچوب نظری نظریه خودتعیین‌گری (SDT) قابل تبیین هستند؛ جایی که حمایت والدین و معلمان با ارضای نیازهای روان‌شناختی پایه مانند خودمختاری، شایستگی و ارتباط اجتماعی، زمینه‌ساز انگیزه‌ی درونی و خلاقیت دانش‌آموزان می‌شوند. مطالعات مشابه خارجی نیز نشان داده‌اند که «پاسخ‌دهی عاطفی» والدین و معلمان رابطه مثبت و چشم‌گیری با خلاقیت دانش‌آموزان دارد و خودباور و خلاقانه نقش واسطه‌ای قابل‌توجهی در این مسیر ایفا می‌کند ($\beta = 0.23$ برای والدین و $\beta = 0.19$).

برای معلمان؛ $p < 0.10$). ارتباط بین کنجکاوی و خلاقیت نیز در مطالعات تجربی تأکید شده—به‌ویژه در مطالعات روی کودکان دبستانی، نشان داده شده که کنجکاوی شناختی با تفکر واگرا ارتباط وجودی و قابل‌توجهی دارد.

به‌طور خلاصه، داده‌ها نشان می‌دهند که حمایت عاطفی والدین و معلمان، با اثرگذاری مستقیم بر خلاقیت تحصیلی و نیز با ارتقای حس کنجکاوی دانش‌آموزان به‌عنوان متغیر میانجی، محیطی امن، انگیزشی و خلاقانه فراهم می‌سازند. این ترکیب مسیری منتج به شکوفایی هوشمندانه خلاقیت در محیط یادگیری رسمی است، مخصوصاً در شرایطی که حمایت و کنجکاوی همراه هم حرکت می‌کنند.

در پژوهش حاضر، تأثیر حمایت عاطفی والدین و معلمان بر خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان با نقش میانجی حس کنجکاوی تحصیلی بررسی شد. نتایج نشان داد که حمایت عاطفی والدین ($\beta = 0.50, p < 0.10$) و معلمان ($\beta = 0.90, p < 0.10$) تأثیر مستقیم و معناداری بر خلاقیت تحصیلی دارند. علاوه بر این، حس کنجکاوی تحصیلی به‌عنوان متغیر میانجی با ضریب مسیر 0.07 ($p < 0.01$) بر خلاقیت تأثیرگذار است. حمایت عاطفی والدین و معلمان به ترتیب با ضرایب 0.33 و 0.10 بر حس کنجکاوی تأثیر مثبت دارند. مسیرهای غیرمستقیم والدین $\rightarrow$ کنجکاوی $\rightarrow$ خلاقیت ($\beta = 0.90$) و معلمان $\rightarrow$ کنجکاوی $\rightarrow$ خلاقیت ($\beta = 0.50$) نیز معنادار بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت عاطفی والدین و معلمان از طریق افزایش حس کنجکاوی تحصیلی، محیطی امن و انگیزشی برای رشد خلاقیت تحصیلی فراهم می‌آورد.

در پایان پژوهش حاضر، با بررسی رابطه حمایت عاطفی والدین و معلمان با خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان و نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی، دستاوردهای مهمی به‌دست آمده که در ادامه به تفصیل در قالب نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که حمایت عاطفی ارائه شده از سوی والدین و معلمان تأثیر مثبت و معناداری بر خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزانی که در محیط‌های خانوادگی و مدرسه با حمایت عاطفی کافی، شامل تشویق، همدلی و ایجاد حس امنیت مواجه می‌شوند، تمایل بیشتری به ارائه ایده‌های نو و خلاقانه دارند. این یافته‌ها همسو با نظریه خودتعیین‌گری (Ryan & Deci, 2000) و نظریه‌های اجتماعی-شناختی (Vygotsky, 1978) است که بر اهمیت تعاملات عاطفی در توسعه توانمندی‌های فردی تأکید دارند.

یکی از دستاوردهای کلیدی پژوهش، شناسایی نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی در انتقال اثر حمایت عاطفی به خلاقیت دانش‌آموزان است. تحلیل‌های آماری (از جمله مدل‌سازی معادلات ساختاری) نشان داده‌اند که حس کنجکاوی تحصیلی به‌عنوان متغیر واسطه، بخشی از اثر حمایت‌های عاطفی والدین و معلمان بر خلاقیت را به شکل معناداری تقویت می‌کند. این موضوع بیانگر آن است که ایجاد محیط‌های یادگیری تحریک‌کننده و فراهم آوردن فرصت‌هایی جهت برانگیختن کنجکاوی در دانش‌آموزان، می‌تواند به‌طور مستقیم موجب افزایش تفکر خلاق و نوآوری در پاسخ به چالش‌های آموزشی شود. پژوهش نشان داد که خلاقیت تحصیلی دانش‌آموزان حاصل تعاملات چندوجهی بین حمایت‌های عاطفی، کنجکاوی تحصیلی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان است. به عبارت دیگر، حمایت عاطفی به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید همراه با ایجاد انگیزه‌های درونی و فراهم آوردن بسترهای مناسب برای کنجکاوی و اکتشاف دانش‌آموزان قرار گیرد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات پیشین نظیر تحقیقات تورنس (1998) و Hidi & Renninger (2006) مبنی بر اهمیت ترکیب حمایت عاطفی با فرایندهای انگیزشی و کنجکاوی در تحریک خلاقیت همخوانی دارد. در پایان پیشنهادهای زیر برای مدیران مدارس، سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان و پژوهشگران سودمند باشد:

پیشنهادهای کاربردی برای مدیران مدارس و سیاست‌گذاران آموزشی

ایجاد محیط‌های آموزشی حمایتی: با توجه به تأثیر مثبت حمایت عاطفی، توصیه می‌شود مدارس به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که فضای کلاس از نظر عاطفی گرم و دوستانه باشد. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای معلمان و مدیران به منظور تقویت مهارت‌های ارتباطی و حمایتی می‌تواند زمینه بروز خلاقیت در دانش‌آموزان را فراهم آورد.

ترویج مشارکت والدین: سازماندهی جلسات مشترک بین والدین، معلمان و دانش‌آموزان جهت تبادل نظرات و تجربه‌ها، می‌تواند نقش والدین را در حمایت عاطفی تقویت کند. ایجاد سامانه‌های ارتباطی آنلاین و دوره‌های آموزشی برای والدین در زمینه حمایت عاطفی و نقش آن در پیشرفت تحصیلی از دیگر توصیه‌های مفید است.

تقویت چارچوب‌های آموزشی: برنامه‌های درسی و شیوه‌های ارزشیابی باید طوری طراحی شوند که علاوه بر انتقال مطالب، حس کنجکاوی و خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت کنند. استفاده از روش‌های تدریس فعال مانند پروژه‌محوری، بازی‌های آموزشی و بحث‌های گروهی می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان را برای اکتشاف و نوآوری افزایش دهد.

توصیه‌های ویژه برای معلمان

به‌کارگیری روش‌های تدریس نوین: معلمان می‌بایست از فنون تدریس متنوع نظیر استفاده از تکنولوژی‌های نوین (پروژکتورها، وایت بردهای تعاملی و پلتفرم‌های آموزشی آنلاین) بهره بگیرند تا کلاس‌های درس را به محیطی پویا و خلاق تبدیل کنند.

افزایش تعامل و مشارکت دانش‌آموزان: با ایجاد فضایی که دانش‌آموزان در آن بتوانند آزادانه ایده‌های خود را مطرح کنند و با یکدیگر به بحث بپردازند، حس کنجکاوی و نوآوری در آنان افزایش خواهد یافت. استفاده از روش‌هایی مانند بارش مغزی و پروژه‌های گروهی، می‌تواند به تقویت این مهارت‌ها کمک کند.

توسعه مهارت‌های فردی و حرفه‌ای: معلمان می‌بایست در جهت افزایش دانش و آگاهی خود از روش‌های نوین آموزشی، دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی را شرکت کرده و از تجربیات موفق دیگر معلمان بهره ببرند. به‌ویژه، آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های ارتباطی، مدیریت کلاس و استفاده از فناوری‌های آموزشی می‌تواند اثربخشی تدریس را افزایش دهد.

ایجاد فرصت‌های پژوهشی در کلاس: تشویق دانش‌آموزان به تحقیق و پژوهش در موضوعات درسی و فراهم کردن بسترهای عملی برای آزمون و خطا، می‌تواند هم حس کنجکاوی و هم خلاقیت آنان را تقویت کند. استفاده از پروژه‌های کوچک و ارائه گزارش‌های پژوهشی به‌عنوان بخشی از فرآیند یادگیری توصیه می‌شود.

پیشنهادهای پژوهشگران

گسترش دامنه نمونه و بررسی عوامل متغیر محیطی: پژوهش‌های آتی می‌توانند با نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی، ابعاد مختلف حمایت عاطفی و تأثیر آن بر خلاقیت تحصیلی را مورد بررسی قرار دهند.

بررسی عمیق‌تر نقش حس کنجکاوی تحصیلی: از آنجایی که حس کنجکاوی به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند، پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از روش‌های کیفی و کمی به بررسی فرآیند شکل‌گیری و تقویت کنجکاوی در دانش‌آموزان بپردازند.

ارزیابی تأثیرات بلندمدت: بررسی تأثیر حمایت‌های عاطفی و روش‌های آموزشی خلاق بر پیشرفت تحصیلی در طول زمان (مطالعات طولی) می‌تواند نشان دهد که آیا این تأثیرات پایدار بوده و چگونه در دوره‌های بعدی تحصیلی دانش‌آموزان منعکس می‌شود.

همبستگی بین متغیرهای روانی دیگر: پژوهش‌های آتی می‌توانند متغیرهای دیگری نظیر خودکارآمدی، انگیزه درونی و استرس تحصیلی را نیز در کنار حمایت عاطفی و حس کنجکاوی بررسی کنند تا مدل جامع‌تری از عوامل مؤثر بر خلاقیت تحصیلی ارائه شود.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حمایت عاطفی والدین و معلمان به‌عنوان عواملی کلیدی در ارتقاء خلاقیت و نوآوری تحصیلی دانش‌آموزان عمل می‌کنند. نقش واسطه‌ای حس کنجکاوی تحصیلی نیز به‌طور قابل توجهی این اثر را تقویت می‌کند؛ به طوری که دانش‌آموزانی که در محیطی حمایت‌گرا و محرک به رشد کنجکاوی و تفکر نوآورانه قرار می‌گیرند، در ارائه ایده‌های جدید و حل مسائل تحصیلی موفق‌تر عمل می‌کنند. به همین دلیل، توصیه می‌شود در سیاست‌های آموزشی و برنامه‌های تربیتی، توجه ویژه‌ای به تقویت حمایت عاطفی و ایجاد شرایط مساعد برای بروز کنجکاوی و خلاقیت در دانش‌آموزان گردد. همچنین آموزش و پرورش معلمان به‌عنوان عوامل واسطه‌ای در این فرآیند، می‌بایست در زمینه مهارت‌های ارتباطی، استفاده از فناوری‌های نوین و روش‌های تدریس خلاق، به‌طور مستمر توانمندسازی شوند.

این یافته‌ها می‌تواند راهگشا تدوین استراتژی‌های جدید در نظام آموزش و پرورش باشد تا با استفاده از حمایت‌های عاطفی و تقویت حس کنجکاوی، زمینه‌ساز بروز خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان شود؛ امری که نهایتاً به ارتقاء کیفیت آموزشی و توسعه جامعه دانش‌بنیان منجر خواهد شد.

منابع

- تائی، ولید. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر همکاری بین معلمان و والدین بر پیشرفت تحصیلی و انگیزه دانش‌آموزان. در سومین کنفرانس ملی تازه‌های روان‌شناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس.
- تفکری، عبدالسلام و بنی هاشمی امام قیسی، سیده آمنه و هاشمی کوچکسرای، سید اباذر و شاملو، جواد و مظفری، سید محمد و صفری صفری، زهرا. (۱۴۰۲). تحلیل و بررسی رابطه بین والدین و مدرسه و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. در اولین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در آموزش و پرورش، بوشهر.
- چاوشی، سیدعلی و شهابی، عرفان و پارسا، مرضیه و خسروی دینارعالی، مازیار. (۱۴۰۲). اهمیت حمایت اجتماعی از سوی معلمان در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان. در ششمین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
- حبیبی، متین. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی والدین و معلمان بر کمال‌گرایی و کیفیت زندگی مدرسه‌ای دانش‌آموزان. در سومین کنفرانس ملی تازه‌های روان‌شناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس.
- Amabile, T. M. (۱۹۸۳). The social psychology of creativity: a componential conceptualization. *Journal of personality and social psychology*, 45(۲), ۳۵۷.
- Csikszentmihalyi, M. (۱۹۹۹). ۱۶ implications of a systems perspective for the study of creativity. *Handbook of creativity*, 313.
- Fredricks, J. A., Blumenfeld, P. C., & Paris, A. H. (۲۰۰۴). School engagement: Potential of the concept, state of the evidence. *Review of educational research*, 74(۱), ۵۹-۱۰۹.
- Grolnick, W. S., & Slowiaczek, M. L. (۱۹۹۴). Parents' involvement in children's schooling: A multidimensional conceptualization and motivational model. *Child development*, 65(۱), ۲۳۷-۲۵۲.
- Hausfather, S. J. (۱۹۹۶). Vygotsky and schooling: Creating a social context for learning. *Action in teacher education*, 18(۲), ۱-۱۰.
- Hidi, S., & Ainley, M. (۲۰۱۲). Interest and Self-Regulation: Relationships Bet. In *Motivation and self-regulated learning* (pp. ۷۷-۱۰۹). Routledge.

- Litman, J. A., & Spielberger, C. D. (۲۰۰۳). Measuring epistemic curiosity and its diversive and specific components. *Journal of personality assessment*, 80(۱), ۷۵-۸۶.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (۲۰۰۰). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions. *Contemporary educational psychology*, 25(۱), ۵۴-۶۷.
- Tucker, R. P., Judah, M. R., O'Keefe, V. M., Mills, A. C., Lechner, W. V., Davidson, C. L., ... & Wingate, L. R. (۲۰۱۳). Humor styles impact the relationship between symptoms of social anxiety and depression. *Personality and individual differences*, 55(۷), ۸۲۳-۸۲۷.